

نقش واسطه‌ای ذهن آگاهی در ارتباط میان جهت‌گیری جنسی بر اساس تیپ شخصیتی و نگرش به عشق: بررسی مدل معادلات ساختاری

مریم عباسیان^۱

افشین طیبی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۸

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین سبک شخصیت، نگرش به عشق و جهت‌گیری جنسی با میانجیگری ذهن آگاهی صورت گرفت. روش پژوهش همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان متأهل شهر کرج بودند که با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۰۰ نفر انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از مقیاس رابطه جنسی (SRS)، پرسشنامه سنجش صفات پنج‌گانه شخصیتی (نتو)، مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق (LAS-SF) و پرسشنامه پنج‌عاملی ذهن آگاهی FFMQ به‌عنوان ابزار استفاده گردید. ارزیابی الگوی پیشنهادی از طریق الگویابی معادلات ساختاری (SEM) و با استفاده از نرم‌افزار AMOS انجام شد. روابط واسطه‌ای در الگوی پیشنهادی با استفاده از روش بوت استرپ آزموده شدند. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری حاکی از برازش نسبی مدل بود و نشان داد تیپ شخصیتی، نگرش به عشق با میانجیگری ذهن آگاهی اثر غیرمستقیمی بر جهت‌گیری جنسی دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده اهمیت تیپ شخصیتی، نگرش به عشق با میانجیگری ذهن آگاهی در پیش‌بینی جهت‌گیری جنسی است. به درمانگران توصیه می‌شود که زوجین را با انواع سبک‌های عشق‌ورزی و تیپ شخصیتی آشنا کنند و همچنین با آموزش ذهن آگاهی کیفیت رابطه جنسی را بالا ببرند.

واژگان کلیدی: تیپ شخصیتی، نگرش به عشق، جهت‌گیری جنسی، ذهن آگاهی، معادلات ساختاری

مقدمه

^۱ . دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
^۲ . دکتری روانشناسی، استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، قشم، ایران (نویسنده مسؤول)
afshin.tayyebi@iranian.ac.ir

هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعا کند سالم است مگر اینکه خانواده‌های سالم داشته باشد. ازدواج و روابط زناشویی شروع تشکیل خانواده است (ناصری، رئیس، جعفری، رحمانی، ۲۰۰۴؛ طهماسبی، مقدسی، علوی، مرادی، ۲۰۰۵). در تعریف اولیه ازدواج می‌توان گفت: ارتباط بین زن و مرد در یک چارچوب به‌عنوان شوهر و همسر، پدر یا مادر و داشتن تعدادی فرزند که حاصل رابطه جنسی آنهاست (اندرسون، ۲۰۱۳). ازدواج شامل با هم بودن دو فرد است که دارای علاقه‌مندی‌ها، خواسته‌ها و نیازهای متفاوتی هستند. به هم پیوستن خاص که با قوانین و موازین اجتماعی شکل می‌گیرد و به‌طور قابل توجهی بر رشد افراد و تحقق خود تأثیر می‌گذارد (ارسانلی و کالکان، ۲۰۰۸). ازدواج نیازهایی مانند: عشق و دوست داشتن، بودن افراد در کنار یکدیگر، بیولوژیکی، اجتماعی، روان‌شناختی و انگیزشی، آوردن نسل‌های جدید به دنیا، کسب جایگاه در جامعه، احساس امنیت و محافظت از یکدیگر، حس همکاری، اطمینان به آینده، افتخار کردن به یکدیگر و داشتن رابطه جنسی سالم را برآورده می‌کند. برآورده شدن این نیازها باعث می‌شود ازدواج در سرتاسر جهان اهمیت قابل توجهی پیدا کند (کنل، ۲۰۱۲).

عوامل زیادی در ازدواج تأثیرگذار هستند. یکی از آن عوامل رابطه جنسی است. تمایلات جنسی همواره مرکز توجه و علاقه بشر بوده است. عوامل مختلفی در تعیین رفتارها و تمایلات جنسی نقش دارند. عواملی مانند کالبدشناختی، فیزیولوژیکی، روانشناسی، فرهنگی که فرد در آن زندگی می‌کند، روابط فرد با افراد دیگر و تجارب رشدی در طول زندگی (سادوک، سادوک و پدرو، ۲۰۱۵، ترجمه فرزین رضاعی، ۱۳۹۴). فعالیت جنسی اغلب اوقات جزء اساسی روابط زناشویی است و در طول دوره زندگی داشتن رابطه جنسی بسیار سودمند است و مزایای فیزیولوژیک آن مانند مزایای ورزش جسمانی است (هد، ۱۹۹۹). ایگان (۲۰۲۰) طی مطالعه‌ای نشان داد که داشتن رابطه جنسی برای بقا و بهزیستی برای بیشتر افراد لازم و ضروری است. رفتار جنسی می‌تواند متنوع و یا خیلی یکنواخت باشد که می‌تواند تحت تأثیر زندگی گذشته افراد و همچنین تحت تأثیر تفاوت‌های فردی قرار دارد. تحولات زیستی مانند بلوغ، استقلال و سلاقی جنسی بر این فرآیند تأثیرگذار هستند. داوسون و چپورس (۲۰۱۴) در پژوهششان با عنوان شباهت‌ها و تفاوت‌های جنسیتی در تمایلات جنسی نشان دادند که میل جنسی در مردان قوی‌تر از زنان است. باوجود این مشخص نیست که آیا واقعاً از لحاظ میل جنسی متفاوت هستند و یا تمایلات آنها تحت تأثیر تفاوت‌های جنسیتی قرار گرفته است و عملکرد و ارزیابی تمایل جنسی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. جهت‌گیری در روابط جنسی می‌تواند مبادله‌ای یا مشارکتی باشد. کلارک و میلز (۱۹۷۹) نظریه جهت‌گیری در روابط جنسی را که بر پایه قانون دادن و دریافت کردن (دادوستد) منفعت بود را ارائه کردند. جهت‌گیری مبادله‌ای در روابط جنسی این‌گونه تعریف شده است که چیزی را که فرد می‌دهد حداقل شبیه آن را دریافت کند و منفعت باید متقابل باشد. در جهت عکس آن در جهت‌گیری مشارکتی در روابط جنسی تمرکز بر رفاه شریک جنسی و تعدیل در دادن در روابط بین فردی

به نسبت انتظار منفعت متقابل است. از نظر هاگز و اسنل (۱۹۹۰) دیدگاه اشتراکی در روابط جنسی بر مراقبت و تمرکز بر احتياجات شریک جنسی تأکید می‌کند و دیدگاه مقابله‌ای بر لطف در ازای لطف (معاوضه پایاپای) تأکید می‌کند.

عامل تأثیرگذار دیگر بر زندگی زناشویی ویژگی‌های شخصیت همسران است. رابطه زناشویی پیوند دو شخصیت است. هر یک از طرفین با گذشته‌ای متفاوت، ویژگی‌های شخصیتی و ترکیب عوامل زیست‌شناختی و تجربه‌های متفاوت وارد زندگی زناشویی می‌شوند. شخصیت یک فرد واکنش‌های متفاوتی را در طرف مقابل برمی‌انگیزد و بالطبع زندگی زناشویی آنها از آن تأثیر می‌پذیرد (خادمی، ولی پور، مراد زاده خراسانی، نیشابوری، ۱۳۹۳). شخصیت مجموعه‌ای از صفات، ویژگی‌ها و کیفیت‌های پایداری است که باعث تمایز افراد از یکدیگر می‌شود. بر این اساس شخصیت؛ عبارت است از جنبه‌های بدنی، عادات، تمایلات، حالات، افکار و رفتارهایی که در فرد به صورت خصوصیات و صفاتی نسبتاً پایدار در آمده و به شکل یک کل واحد عمل می‌کند (ژوکلا، ۲۰۱۴). بر طبق مدل پنج عاملی شخصیت، شخصیت در ۵ بعد، تجربه‌گرایی^۱، وظیفه‌شناسی^۲، برون‌گرایی^۳، توافق‌پذیری^۴ و روان‌رنجور خویی^۵ توصیف شده است (کوستا و مک کری، ۱۹۹۲). روان‌رنجوری با عدم ثبات عاطفی و تأثیر منفی داشتن. برون‌گرایی به‌عنوان توانایی ارتباط برقرار کردن و اجتماعی بودن و تأثیر مثبت داشتن، وظیفه‌شناسی به‌عنوان تمایل به پیروی از قوانین و سختگیری و مطیع بودن، توافق‌پذیری با اعتماد و همکاری و تجربه‌گرایی را می‌توان با توانایی جستجو، درک و استفاده از الگوهای ذهنی توصیف کرد (بگی، سلبوم، کوستا و ویدگر، ۲۰۰۸). رحیمی پردنجانی، مشفق، ضاری (۱۳۹۵) طی مطالعه‌ای بیان کردند که ضریب همبستگی بین ویژگی‌های شخصیتی پنج عامل بزرگ روان‌رنجور خویی، برون‌گرایی، باز بودن در برابر تجارب، توافق جویی و وجدانی بودن با رضایت جنسی زنان معنی‌دار است.

یکی از جنبه‌های اصلی هر رابطه‌ای عشق نام دارد و جزو آن دسته از هیجان‌هایی است که در ازای شگفتی و جذابیت زیاد قادر است دردناک یا منفی تلقی شود (رز، ۱۹۹۹). عشق مفهومی بیش از یک دوستی نزدیک و داشتن یک گرایش جنسی به فرد مقابل است (دیاموند، ۲۰۰۴). عشق نتیجه تکاملی سیستم‌های جفت‌گیری و پیوند فطری مانند: دل‌بستگی، مراقبت و رابطه جنسی است (کوردوتیس، ۲۰۱۵). عشق به‌عنوان انگیزه احساسی، نوعی اعتیاد، شهوت و مهم‌تر از همه این‌ها این مفهوم را نوعی هیجان می‌شناسند که

۱. Openness
۲. Conscientiousness
۳. Extraversion
۴. Agreeableness
۵. neuroticism

می‌تواند باعث مشکلاتی در زندگی انسان‌ها شود مانند: طلاق، خودکشی، زن‌کشی و همچنین باعث بسیاری از اختلالات ذهنی و رنج می‌گردد (برونات، ۲۰۱۹). سبک عشق‌ورزی نخستین بار به‌واسطه لوی (۱۹۷۳) در حوزه روانشناسی تعریف شد. از درآمیختن این سه سبک اصلی، سبک‌های ثانویه پدید می‌آیند که مجموعاً شش سبک عشق‌ورزی را در افراد تشکیل می‌دهند (هندریک و هندریک، دیسک، ۱۹۹۸). عشق دارای معانی متفاوت و باورهای متفاوتی در افراد است که در مجموع عشق تحت تأثیر شش سبک است؛ این سبک‌ها عبارت‌اند از: سبک مانیا (عشق افراطی)، اروس (عشق شهوانی)، استورگ (عشق دوستانه)، لودوس (عشق بازی‌گرایانه)، آگاه (عشق الهی یا عشق فارغ از خود)، پراگما (عشق منطقی) است. مجموعه این سبک‌ها و باورها چگونگی رویکرد افراد به رابطه عاشقانه را نشان می‌دهد (برازنده، صاحبی، امین‌یزدی، مهرام، ۱۳۸۵). عشق رمانتیک یک حالت هیجانی و انگیزشی است که بدون آن تصور می‌شود تکامل‌گونه ما سخت باشد. فیشر (۲۰۰۷) حتی ادعا می‌کند که عشق رمانتیک یک سائق است. عملکرد تحولی عشق خلق یک پیوند قوی میان دو فرد همراه با تولید مثل است. عشق رمانتیک را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: مجموعه‌ای از رفتارها، شناخت‌ها، هیجانات همراه با میل ورود و یا حفظ یک رابطه نزدیک با فرد خاص (آرون و آرون، ۱۹۹۱). به منظور رسیدن به این هدف انسان از راهبردهای گوناگونی استفاده می‌کند که راهبردهای جنسی نامیده می‌شود و منجر به تولید مثل می‌گردد. گنکستد و سیمپسون (۲۰۰۰) راهبردهای جنسی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: یکپارچه‌سازی مجموعه‌ای از سازگاری و سازمان‌دهی و هدایت یک فرد برای تلاش به تولید مثل. استفاده از چنین راهبردهای خاصی به عوامل زیادی وابسته است که مهم‌ترین آنها تجربیات دوران کودکی است که روی تئوری داستان زندگی تمرکز می‌کند (بلسکی، ۲۰۱۰). تجربیات دوران کودکی شامل ویژگی‌های خاص خانواده و محیطی است. مانند: خشونت (ویژیل، گری، بیرد-کراون، ۲۰۰۵) حضور نداشتن پدر یا انواع خاص دل‌بستگی (بلسکی، ۲۰۱۰) و عوامل بیرونی مانند مرگ در جمعیت یک منطقه (چسلم، ۱۹۹۳). چنین تجربیاتی پیام‌هایی هستند که بر راهبردهای جنسی آینده فرد تأثیر مستقیم می‌گذارد. نتو (۲۰۱۵) در مطالعاتش به این نتیجه رسید که در هر دو جنس شباهت‌ها و تفاوت‌هایی از لحاظ روانی جنسی، روابط عاشقانه و ناسازگاری‌های روان‌شناختی وجود دارد. شباهت‌ها در هر دو جنس عشق اروس، رضایت عشقی و تعهد بود. به نظر می‌رسد زنانی که روابط بدون محدودیتی داشتند ناسازگاری روان‌شناختی بیشتری را تجربه می‌کردند. آنها احساس تنهایی در رابطه عاشقانه داشتند و تأثیر منفی آن در رابطه با مردان قابل مشاهده بود.

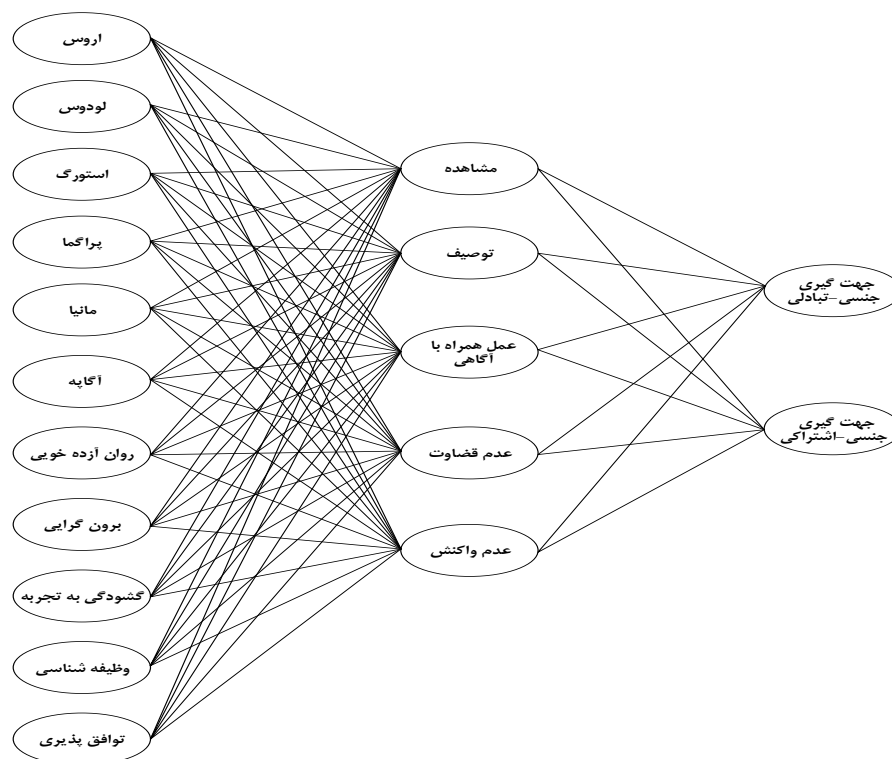
در چند دهه اخیر، نقش ذهن آگاهی در قالب نظریه و پژوهش‌های متعدد پیرامون مسائل جنسی مورد توجه قرار گرفته است. افرادی که تمایل زیادی به ذهن آگاهی دارند در شرایط توجه عدم قضاوت در لحظه حال، در مقایسه با هم‌تایان خود که تمایل کمتری به ذهن آگاهی دارند در طیف وسیعی از مسائل روان‌شناختی

و بین فردی عملکرد بهتری دارند. ذهن آگاه بودن پیامدهای جنسی مثبتی هم به صورت فردی و هم در رابطه با شریک جنسی به همراه دارد (پیینگ، کرونین، لیون، کولد، ول، ۲۰۱۸). ریشه کلمه ذهن آگاهی از پالی و ساتی گرفته شده است که به معنی آگاهی داشتن، توجه کردن و به یاد آوردن است (بودا، ۲۰۰۰). ذهن آگاهی را می‌توان توجه از یک لحظه به لحظه دیگر تعریف کرد (جرمر، سیگال، فولتون، ۲۰۰۵). ذهن آگاهی با عقلانی کردن متفاوت است. ذهن آگاهی هم آگاه بودن از افکار خود و به‌کارگیری عقل است و هم تمرکز کامل به لحظه حال، افزایش هوشیاری و بودن در یک حالت ذهنی توأم با پذیرش و بدون دل‌بستگی و قضاوت است (دویس و هایس، ۲۰۱۱). تحقیقات زیادی نقش ذهن آگاهی با بهزیستی جنسی بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که ذهن آگاهی تداخلات شناختی را در طول سکس کاهش می‌دهد (نیوکمب و ویور، ۲۰۱۶). ذهن آگاهی همچنین باعث برانگیختگی میل جنسی و افزایش رضایت جنسی می‌شود و ترس از کاهش میل جنسی را کم می‌کند و باعث هماهنگی ادراکات ذهنی و برانگیختگی پاسخ جنسی در اندام زنان می‌شود. شواهد مبتنی بر داده‌ها همچنین کارآمدی ذهن آگاهی در اختلال نعوظ در مردان را نشان می‌دهد (جادرک و لئو- استارویکز، ۲۰۱۹). تن و یاهوس (۲۰۱۰) در پژوهششان از روش هویت درمانی جنسی^۱ استفاده کردند. هویت درمانی جنسی برای کمک به افرادی است که به دنبال حل تعارض بالقوه بین هویت‌های مذهبی و جنسی هستند و بر همخوانی فردی متمرکز است و تسهیل‌کننده این فرآیند به کار بردن تمرینات ذهن آگاهی است. آنها از تمرینات ذهن آگاهی برای جذب جنس موافق استفاده کردند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش این امکان را داشتند که جاذبه‌های خود را به روشی باز، بدون بازداری و صادقانه تجربه کنند، بدون اینکه مجبور شوند این جاذبه‌ها را رد یا تقویت کنند. سالواتی، پیوری، بایوکو (۲۰۱۹) در پژوهششان تأثیر ذهن آگاهی بر کاهش سوگیری و نگرش کلیشه‌ای جنسی در مردان دگرجنسگرا، همجنسگرا و دوجنسگرا بررسی کردند. یافته‌های آنها نشان داد که داشتن نگرش آگاهانه و عدم قضاوت نسبت به تجربه درونی خود می‌تواند باعث ایجاد ننگ جنسی کمتر درونی شده در مردان همجنسگرا و دوجنسگرا شود. همچنین داشتن تمایل به ذهن آگاهی مشاهده‌گری در مردان دگرجنسگرا به آنها کمک می‌کند تا سوگیری کمتری نسبت به همجنس‌گرایان داشته باشند.

تا به حال تحقیقی که نقش واسطه‌ای ذهن آگاهی در ارتباط میان جهت‌گیری جنسی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، سبک نگرش به عشق با مدل معادلات ساختاری در متأهلین مورد بررسی قرار داده باشد انجام نشده است. تحقیق حاضر سعی دارد با شفاف‌سازی و تبیین میزان اثرگذاری این متغیرها زمینه‌ای را که موجب بهزیستی بیشتر خانواده می‌شود را مشخص کند. زیرا توجه به سلامت روانی و بهزیستی خانواده تأثیر بسزایی در نحوه کارکرد و فعالیت خانواده دارد و به نوبه خود موجبات سلامتی، خلاقیت و موفقیت

۱. Sexual Identity Therapy

نسل‌های آینده را فراهم می‌نماید. از این‌رو تحقیق حاضر قصد دارد جهت‌گیری جنسی را بر اساس ویژگی‌های شخصیت، سبک نگرش به عشق با نقش واسطه‌ای ذهن آگاهی با استفاده از مدل معادلات ساختاری مورد بررسی قرار دهد و ساختار مدل را مورد آزمون قرار دهد که از برازش کافی برخوردار است یا خیر؟ ساختار مدل در شکل شماره (۱) ارائه شده است.



شکل (۱). مدل مفهومی پژوهش

روش

طرح پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان متأهل شهر کرج بودند و با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۰۰ نفر انتخاب شدند. لازم به ذکر است از آنجایی که در تحقیقات همبستگی نمونه لازم برای مطالعه ۱۰ تا ۴۵ نفر به ازای هر متغیر است (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۵)، و از آنجایی که در پژوهش حاضر تعداد متغیرها ۴ است و به منظور حصول اطمینان برای به دست آوردن نتایج معنادارتر به ازای هر متغیر ۴۵ نفر انتخاب شد که با در نظر گرفتن ریزش احتمالی و به منظور تعمیم‌پذیری بهتر ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شد. روش اجرای پژوهش به این صورت بود که پرسشنامه در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. قبل از اجرای پژوهش به شرکت‌کنندگان گفته شد که در این پژوهش دانشگاهی است و لذا نیاز به ذکر نام خود در پرسشنامه ندارند. سپس از آنها خواسته شد سوالات را پاسخ دهند و هیچ سوالی را بدون پاسخ نگذارند. همچنین در ابتدا پرسشنامه متنی در خصوص محرمانه ماندن اطلاعات، رازداری و آزادی شرکت پژوهش نوشته شده بود. از شرکت‌کنندگان خواسته شد آن را بخوانند و بدین شکل رضایت کتبی و شفاهی دریافت شد. ابزارهای پژوهش عبارت‌اند از:

ابزارهای پژوهش

مقیاس رابطه جنسی (SRS):

این پرسشنامه با هدف سنجش رویکردهای تبادلی و اشتراکی به روابط صمیمی جنسی و بر مبنای مقیاس جهت‌گیری اشتراکی (کلارک، میلز، ۱۰۱) و مقیاس جهت‌گیری (تارابان، هو و وستر، ۱۹۸۹، ۲) ایجاد شد و هدف از آن بسط ایده‌های آنان است. مقیاس رابطه جنسی شامل دو خرده مقیاس می‌شود که هر یک ۸ عبارت مجزا را در بر می‌گیرد. عناوین و عبارات مرتبط با این خرده مقیاس‌ها عبارت‌اند از:

۱. رویکرد تبادلی به روابط جنسی ۲. رویکرد اشتراکی به رابطه جنسی

ویژگی‌های روان‌سنجی: ثبات درونی دو خرده مقیاس به‌وسیله محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ برای زنان و مردان به‌طور جداگانه و با هم تعیین شد (هاوسل و استل، ۳، ۱۹۹۰). ضرایب آلفا در خرده مقیاس اشتراکی جنسی در مردان ۰/۷۷ در زنان ۰/۷۹ و در کل ۰/۷۸ بود. همچنین ضرایب آلفا در خرده مقیاس تبادل جنسی در مردان ۰/۵۹، در زنان ۰/۶۷، و در کل نیز ۰/۶۷ بود. این یافته‌ها نشان می‌دهند که هر دو خرده مقیاس از ثبات درونی کافی برای استفاده در تحلیل‌های پژوهشی برخوردار بودند و نشان‌دهنده این است که هر دو مقیاس دارای ثبات درونی نیرومندی هستند.

۱ Clark ms, Mills J.

۲ Taraban, C, Ho J, Wesner K.

۳ Hughes T, Snell WE Jr

پرسشنامه سنجش صفات پنج‌گانه شخصیتی (نتو)

پرسشنامه نتو یکی از پرسشنامه‌های مربوط به ارزیابی ساخت شخصیت بر اساس دیدگاه تحلیل عاملی است. این پرسشنامه ۶۰ سؤال می‌باشد و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می‌رود. پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI توسط مک کری و کاستا روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید که ضرایب اعتبار آن بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ به دست آمده است. اعتبار درازمدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. یک مطالعه طولانی ۶ ساله روی مقیاس‌های روان‌آزردگی‌خویی، برون‌گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، ضرایب اعتبار ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را در گزارش‌های شخصی و نیز در گزارش‌های زوجها نشان داده است. ضریب اعتبار دو عامل سازگاری و باوجدانی به فاصله دو سال به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۳ بوده است (مک کری و کاستا، ۱۹۸۳ به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق ۱ (LAS-SF)

این پرسشنامه در واقع فرم کوتاه شده مقیاس نگرش‌های مربوط به عشق است که در سال ۱۹۸۶ توسط هندریک و هندریک بر پایه الگوی «لی ۲» از عشق و به منظور ارزیابی نگرش‌های افراد در عشق ساخته شده است. فرم کوتاه آن نیز در سال ۱۹۹۸ توسط هندریک و هندریک ارائه شد. تأیید تحلیل عاملی نشان داده است که ساختار عرضه‌شده «لی» توانایی کاربرد در فرهنگ‌های چندگانه را دارد (نتو، ۲۰۰۱). ترجمه فارسی این پرسشنامه از تحقیق پاتو (۱۳۸۱) گرفته شده که برای اولین بار توسط دکتر مرتضوی به فارسی برگردانده و اجرا شده است (پاتو، ۱۳۸۱). ضرایب آلفای کرونباخ در مورد مقیاس نگرش‌های عشق بر روی آزمودنی زن و مرد ایرانی، در پژوهش پاتو (۱۳۸۱) بدین ترتیب محاسبه و ارائه شده است. ساختار عاملی این پرسشنامه در جامعه ایرانی توسط بیات (۱۳۸۷) بررسی و ساختار ۶ عاملی آن تأیید شده است. در این پژوهش مقدار آلفای کرونباخ برای عامل‌های عشق فداکارانه ۰/۹۶، بازیگرانه ۰/۷۷، شهوانی ۰/۷۰، واقع‌گرایانه ۰/۶۷، دوستانه ۰/۶۶ و رومانیتیک ۰/۷۷ به دست آمد.

پرسشنامه ۵ عاملی ذهن آگاهی FFMQ

مقیاس این پرسشنامه ۳۹ آیتی است که توسط (بائر، اسمیت، هاپکینز، کریتمایر، تنی ۳، ۲۰۰۶) از طریق تلفیق گویه‌هایی از پرسشنامه ذهن آگاهی فرایبرگ FMI، والش و همکاران (۲۰۰۶) مقیاس هوشیاری و توجه ذهن آگاهی MAAS، براون ریان (۲۰۰۳)، مقیاس ذهن آگاهی کنجولی KIMS، بائر و اسمیت (۲۰۰۴)، و پرسشنامه ذهن آگاهی FFMQ، بائر و همکاران با استفاده از رویکرد تحلیل عامل تحول یافته

۱ Love Attitudes Scale Short Form

۲ Lee

۳ Baer RA, Smith GT, Hopkins J, Krietemeyer J, Toney L.

است. همچنین در مطالعه‌ای که بر روی اعتباریابی و پایایی این پرسشنامه در ایران انجام گرفت، ضرایب همبستگی آزمون- باز آزمون پرسشنامه FFMQ در نمونه ایرانی بین $r=0/57$ (مربوط به عامل غیر قضاوتی بودن) و $r=0/84$ (عامل مشاهده) مشاهده گردید. همچنین ضرایب آلفا در حد قابل قبولی (بین $\alpha=0/55$ مربوط به عامل غیر واکنشی بودن و $\alpha=0/83$ مربوط به عامل توصیف) به دست آمد (احمدوند، ۱۳۹۲). این پرسشنامه در پژوهش (عباسی، ۱۳۹۷) اعتباریابی شده است.

یافته‌ها

بررسی آماره‌های توصیفی و وضعیت توزیع داده‌ها در جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق ارائه شده است. نتایج حاصل از آزمون K-S (کولوموگروف اسمیرنوف) نشان می‌دهد و توزیع داده‌های همه متغیرهای تحقیق نرمال بوده است چون معنی‌داری آن‌ها بیشتر از $0/05$ بوده است.

جدول (۱). آماره نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق

متغیرها	آماره‌های توصیفی		آزمون نرمال بودن	
	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
نگرش به عشق	۷۲/۴۹	۷/۷۰	۴۷	۹۶
جهت‌گیری جنسی	۷۴/۱۴	۷/۶۰	۳۶	۹۶
ذهن آگاهی	۱۵۳/۲۰	۲۱/۷۳	۹۰	۱۹۵
روان رنجوری	۲۲/۹۰	۴/۰۸	۱۲	۳۵
برونگرایی	۵۰/۵۲	۳/۹۲	۳۴	۶۰
گشودگی	۵۱/۳۶	۳/۶۳	۳۶	۶۰
توافق‌پذیری	۵۰/۷۸	۳/۴۴	۳۵	۶۰
وظیفه‌شناسی	۵۰/۶۲	۴/۰۲	۳۴	۶۰

عشق رمانتیک	۱۲/۵	۲/۴۶	۶	۱۶	۱/۲۳	۰/۰۸۴
عشق بازیگرانه	۹/۶۶	۲/۱۲	۶	۱۶	۱/۲۷	۰/۰۷۲
عشق دوستانه	۱۳/۳۹	۱/۵۸	۹	۱۶	۱/۳۳	۰/۰۶۱
عشق واقع‌گرایانه	۱۲/۲۷	۲/۶۴	۵	۱۶	۱/۰۹	۰/۱۷۴
عشق شهوانی	۱۲/۴۴	۱/۳۴	۷	۱۶	۰/۹۴	۰/۴۱۶
عشق فداکارانه	۱۲/۲۱	۲/۴۰	۶	۱۶	۱/۱	۰/۱۵۵
تبادلی	۲۶/۱۵	۳/۰۲	۱۱	۳۲	۰/۸۶	۰/۵۳۲
اشتراکی	۲۳	۲/۸	۱۴	۳۲	۰/۷۱	۰/۵۸۷
مشاهده	۳۱/۷۶	۴/۹	۱۷	۴۰	۱/۱۶	۰/۰۹۷
توصیف	۲۷/۶۲	۳/۹۸	۱۷	۳۵	۱/۲۵	۰/۰۷۳
عمل همراه با آگاهی	۳۱/۴۳	۴/۳۱	۱۸	۴۰	۰/۹۷	۰/۱۳۵
عدم قضاوت	۳۰/۷۱	۴/۵۴	۱۸	۴۰	۰/۹۰	۰/۱۵۲
عدم واکنش	۲۷/۹۰	۴/۳۲	۱۵	۳۵	۱/۳۲	۰/۰۵۸

یافته‌های استنباطی

همبستگی بین متغیرهای اصلی.

آمار استنباطی و همبستگی میان متغیرهای اصلی در جدول (۲) نشان داده شده است. نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین تمامی متغیرهای اصلی رابطه معنی‌دار وجود دارد ($P < ۰/۰۵$). جدول (۲) نشان می‌دهد عامل روان رنجورخویی شخصیت با جهت‌گیری جنسی به صورت منفی و در سطح معناداری کمتر از $۰/۰۵$ همبسته است. بیشترین ارتباط بین عامل گشودگی به تجربه شخصیت و جهت‌گیری جنسی است و به صورت مثبت و در سطح معناداری کمتر از $۰/۰۵$ همبسته بود. نگرش به عشق همانند ذهن آگاهی با جهت‌گیری جنسی به صورت مثبت و در سطح معناداری کمتر از $۰/۰۵$ همبسته بود.

جدول (۲): ماتریس همبستگی متغیرها

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	
نگرش به عشق	1																					
جهت‌گیری جنسی	.553	1																				
ذهن آگاهی	.802	.419	1																			
روان رنجوری	-.690	-.514	-.682	1																		
برونگرایی	.668	.518	.592	-.788	1																	
گشودگی	.781	.506	.645	-.688	.682	1																
توافق پذیری	.704	.419	.584	-.647	.730	.669	1															
وظیفه‌شناسی	.716	.429	.732	-.782	.736	.729	.771	1														
عشق رمانتیک	.726	.445	.452	-.458	.519	.588	.554	.455	1													
عشق بازیگرانه	.394	-.001	.177	-.270	.285	.313	.459	.281	.379	1												
عشق دوستانه	.581	.266	.441	-.544	.469	.596	.464	.599	.376	.224	1											
عشق واقع‌گرایانه	.779	.337	.743	-.475	.474	.535	.498	.509	.440	.155	.159	1										
عشق شهوانی	.610	.419	.583	-.378	.381	.378	.412	.485	.170	.031	.372	.485	1									
عشق فداکارانه	.530	.536	.515	-.411	.312	.430	.199	.355	.139	-.344	.239	.428	.416	1								
تبادلی	.537	.857	.484	-.425	.425	.407	.429	.441	.349	-.063	.142	.469	.491	.533	1							
اشتراکی	.327	.821	.124	-.407	.416	.398	.245	.236	.358	.054	.255	.027	.152	.352	.481	1						
مشاهده	.762	.368	.967	-.613	.520	.575	.564	.690	.406	.127	.367	.743	.573	.533	.484	.051	1					
توصیف	.790	.385	.948	-.713	.654	.640	.574	.738	.458	.196	.517	.679	.576	.480	.398	.133	.874	1				
عمل همراه با آگاهی	.783	.397	.972	-.677	.585	.646	.602	.742	.436	.216	.441	.724	.573	.463	.462	.135	.932	.914	1			
عدم قضاوت	.778	.497	.941	-.701	.581	.673	.528	.679	.481	.197	.465	.665	.509	.504	.479	.245	.868	.890	.890	1		
عدم واکنش	.762	.393	.974	-.614	.542	.597	.550	.685	.422	.136	.382	.753	.570	.487	.500	.067	.951	.895	.936	.887	1	

• معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵

برازش مدل

برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های GFI^1 و IFI^2 ، CFI^3 ، TLI^4 ، X^2/Df^5 ، $RMSEA^6$ ، X^2 و CR^8 استفاده کردیم. X^2 غیر معنادار نشان داد مدل از برازندگی خوبی برخوردار است. Cutoff کلی برای شاخص‌های GFI و CFI ، TLI بیشتر از $0/90$ و برای $RMSEA$ $0/08$ بود. ما معادلات ساختاری (SEM⁹) را برای پیش‌بینی جهت‌گیری جنسی بر اساس صفات شخصیت و نگرش به عشق با میانجی‌گری ذهن آگاهی ایجاد کردیم؛ در این مدل ارضای صفات شخصیت و نگرش به عشق متغیرهای پنهانی بیرونی و جهت‌گیری جنسی و ذهن آگاهی متغیرهای پنهان درونی بودند. رویکرد SEM برای بررسی مسیر ساختاری صفات شخصیت و نگرش به عشق به جهت‌گیری جنسی و همچنین ذهن آگاهی به عنوان متغیر میانجی در مدل به مسیر غیرمستقیم بین ساختاری صفات شخصیت و نگرش به عشق با جهت‌گیری جنسی در نظر گرفته شد. همچنین بر اساس شاخص‌های اصلاحی چندین مسیر کواریانس (شکل ۱) به مدل اضافه شد و در نهایت مقادیر شاخص‌های $X^2/Df=3/25$ ، $GFI=0/906$ ، $IFI=0/925$ ، $TLI=0/906$ ، $CFI=0/925$ و $RMSEA=0/078$ نشان می‌دهد که SEM از برازندگی مناسبی برخوردار است.

جدول (۳)- شاخص‌های برازندگی برای الگوهای تدوین شده و الگوی نهایی

شاخص‌های برازندگی الگو	X^2	Df	X^2/Df	NPAR	GFI	IFI	TLI	CFI	RMSEA
مدل تدوین شده	۹۷۶/۳۴۳	۱۳۱	۷/۴۵	۴۰	۰/۶۶۱	۰/۷۷۶	۰/۷۳۷	۰/۷۷۵	۰/۱۸
مدل اصلاح شده	۳۹۴/۴۰۴	۱۲۱	۳/۲۵	۵۰	۰/۸۹۲	۰/۹۲۵	۰/۹۰۶	۰/۹۲۵	۰/۰۷۸
مدل استقلال	۳۹۱۰/۸۸۴	۱۵۳	۲۵/۵۶۱	۱۸	۰/۱۷۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۳۵۱

۱ Goodness- of-fit index

۲ Incremental fit index

۳ Comprative fit index

۴ Tucker-Lewis index

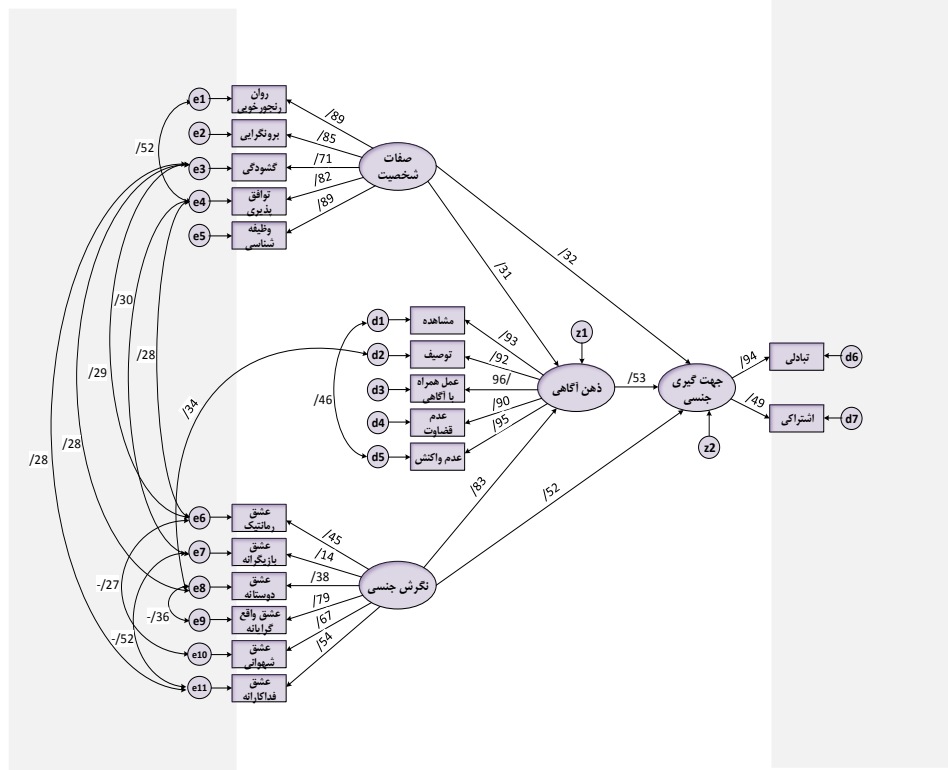
۵ Normed X^2 index

۶ Root- mean- square error of approximation

۷ Chi- square

۸ Critical Raito

۹ Structural Equaion Modeling



شکل (۲) مدل تبیین روابط ساختاری بین صفات شخصیت و نگرش به عشق با جهت‌گیری جنسی بر اساس نقش میانجی ذهن آگاهی

ارزیابی تأثیر مستقیم

نتایج به دست آمده از آزمون مدل نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون بین صفات شخصیت و نگرش به عشق با جهت‌گیری جنسی به ترتیب $0/32$ و $0/52$ با معنی‌داری کمتر از $0/05$ است. در نتیجه بین صفات شخصیت و نگرش به عشق با جهت‌گیری جنسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. ضریب تعیین به دست آمده (R^2) نشان می‌دهد صفات شخصیت و نگرش به عشق به ترتیب $0/10$ و $0/27$ از واریانس جهت‌گیری جنسی را تبیین می‌کنند.

ضریب رگرسیون بین صفات شخصیت و نگرش به عشق با ذهن آگاهی به ترتیب $0/31$ و $0/83$ با معنی‌داری کمتر از $0/05$ است و در نتیجه بین صفات شخصیت و نگرش به عشق با ذهن آگاهی رابطه

معنی‌داری وجود دارد. R^2 به دست آمده نشان می‌دهد صفات شخصیت و نگرش به عشق به ترتیب $۰/۰۹۶$ و $۰/۶۹$ از واریانس ذهن آگاهی را تبیین می‌کنند. ضریب رگرسیون بین ذهن آگاهی و جهت‌گیری جنسی $۰/۵۳$ با معنی‌داری کمتر از $۰/۰۵$ است در نتیجه بین ذهن آگاهی و جهت‌گیری جنسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. R^2 به دست آمده نشان می‌دهد ذهن آگاهی $۰/۲۸$ از واریانس جهت‌گیری جنسی را تبیین می‌کنند. بر اساس نتایج کلی مدل به دست آمده صفات شخصیت و نگرش به عشق با میانجی‌گری ذهن آگاهی $۰/۴۳$ از واریانس جهت‌گیری جنسی را تبیین می‌کنند. که نشان دهند تأثیر معنی‌دار این سه متغیر بر رشد جهت‌گیری جنسی است.

جدول ۴: ضرایب مسیرهای مستقیم در الگوی نهایی

مسیر	β	R^2	Estimate	S.E.	CR	P
صفات شخصیت ← جهت‌گیری جنسی	۰/۳۲	۰/۱۰	۰/۲۳۹	۰/۰۷۳	۳/۲۶	۰/۰۰۱
نگرش به عشق ← جهت‌گیری جنسی	۰/۵۲	۰/۲۷	۳/۰۴	۰/۶۶۹	۴/۵۵	۰/۰۰۱
صفات شخصیت ← ذهن آگاهی	۰/۳۱	۰/۰۹۶	۰/۳۰۳	۰/۰۴۵	۶/۷۰	۰/۰۰۱
نگرش به عشق ← ذهن آگاهی	۰/۸۳	۰/۶۹	۳/۲۶	۰/۳۲۷	۹/۹۰	۰/۰۰۱
ذهن آگاهی ← جهت‌گیری جنسی	۰/۵۳	۰/۲۸	۰/۴۰۲	۰/۱۶	۲/۵۲	۰/۰۱۲

ارزیابی تأثیر غیرمستقیم

جهت‌سنجش نقش میانجی ذهن آگاهی

در رابطه بین صفات شخصیت و نگرش به عشق با جهت‌گیری جنسی از دستور بوت استرپ Bootstrap در نرم‌افزار AMOS استفاده شد که بر اساس آن با ۲۰۰ بار نمونه‌گیری و در فاصله اطمینان $۰/۹۵$ کمترین و بیشترین میزان رابطه غیرمستقیم صفات شخصیت و نگرش به عشق از طریق ذهن آگاهی با جهت‌گیری جنسی برآورد شد. که نتایج نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری رابطه غیرمستقیم صفات شخصیت از طریق ذهن آگاهی با جهت‌گیری جنسی کوچکتر از $۰/۰۵$ هست $(P < ۰/۰۵, \beta = ۰/۲۵۲)$. در نتیجه ذهن آگاهی در رابطه بین صفات شخصیت و جهت‌گیری جنسی نقش میانجی دارد. همچنین سطح معنی‌داری رابطه غیرمستقیم نگرش به عشق از طریق ذهن آگاهی با

جهت‌گیری جنسی کوچکتر از ۰/۰۵ هست ($\beta=0/224$ ، $P<0/05$). در نتیجه ذهن آگاهی در رابطه بین نگرش به عشق و جهت‌گیری جنسی نقش میانجی دارد.

جدول ۵ ضرایب مسیرها های غیرمستقیم در الگوی نهایی

مسیر	Unstandardized Estimate	Lower	Upper	Standardized Estimate	P
صفات شخصیت ذهن آگاهی جهت‌گیری جنسی ←	۰/۲۶۲	۰/۱۱۸	۰/۳۷۷	۰/۲۵۲	۰/۰۰۱
نگرش به عشق ذهن آگاهی جهت‌گیری جنسی ←	۰/۲۵۳	۰/۱۰۶	۰/۳۴۸	۰/۲۲۴	۰/۰۰۱

بحث

نتایج حاصل نشان داد که صفات شخصیت با جهت‌گیری جنسی به صورت معنادار و مثبت رابطه دارد و صفات شخصیت می‌تواند جهت‌گیری جنسی را پیش‌بینی کند و میان عامل روان رنجورخویی شخصیت با جهت‌گیری جنسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بیشترین ارتباط بین عامل گشودگی به تجربه و جهت‌گیری جنسی است و رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش، منوالا پیکستو و نوبر (۲۰۱۵)، ایگان (۲۰۲۰) یافته‌های حاصل را تأیید می‌کند. بعضی از ویژگی‌های شخصیت به‌عنوان عامل آسیب‌پذیری در ایجاد چندین اختلال در سلامت روان شناخته شده‌اند (ملوف، ترستینسون و شات، ۲۰۰۵). در چندین مطالعات تجربی پیرامون مسائل جنسی نقش ویژگی‌های شخصیت را در اختلال جنسی مورد بررسی قرار داده‌اند (فگان و همکاران، ۱۹۹۱ و کوینتا-گومز و نوبر، ۲۰۱۱). بر طبق مدل شناختی هیجانی نوبر، در اختلالات جنسی، ویژگی‌های شخصیت به‌ویژه روان رنجوری و برون‌گرایی به‌عنوان عامل آسیب‌پذیری در ایجاد و پیشروی اختلالات جنسی در زنان و مردان ناهم‌جنس‌گرا شناخته شده‌اند (نوبر، ۲۰۱۳). مطالعات نشان می‌دهد مردانی که دچار کژ کاری جنسی هستند در مقایسه با مردان سالم نمرات بالاتری در روان رنجوری دارند (فگان و همکاران، ۱۹۹۱). مخصوصاً روان رنجوری باعث اضطراب در عملکرد جنسی و اختلال در نعوظ می‌گردد (روزنهم و نیومن، ۱۹۸۱). در زنان روان رنجوری همبستگی منفی با برانگیختگی جنسی دارد (کندی، دیکنز، اسفلد، بگی، ۱۹۹۹). افرادی که در گشودگی به تجربه نمرات بالاتری می‌گیرند مهارت خیال‌پردازی قوی‌تری دارند (منوالا پیکستو و

نوبر، ۲۰۱۵). پژوهش‌ها نشان داده مردانی که از نظر جنسی سالم هستند نسبت به مردانی که اختلال جنسی دارند در گشودگی به تجربه نمرات بالاتری دارند و شهوت و خیال‌پردازی جنسی بیشتری دارند (نوبر و پینتو-گوویا، ۲۰۰۸). بر اساس پژوهش‌های به دست آمده مشخص است که ویژگی‌های شخصیتی افراد به خوبی پیش‌بینی کننده جهت‌گیری جنسی آنها است.

همچنین بر اساس یافته‌ها نگرش به عشق به صورت معناداری جهت‌گیری جنسی را پیش‌بینی می‌کند. که با نتایج تحقیقات، نتو (۲۰۱۵) و تقی یار، پهلوان زاده، رفاهی (۱۳۹۷) همسو است. و با نتایج میرز و برسچیلو (۱۹۹۷) ناهمسو است. و بیشترین ارتباط بین عامل عشق واقع‌گرایانه و جهت‌گیری جنسی است. در عشق واقع‌گرایانه افراد در رابطه جنسی محافظه‌کار می‌باشند و همچنین در انتخاب شریک جنسی بسیار دقت می‌کنند و شخصی را انتخاب می‌کنند که ویژگی‌های پدر خوب و مادر خوب را داشته باشد. ویژگی‌هایی از قبیل مهربانی، مسؤولیت‌پذیری، وفاداری (لسی، ریفمن، اسکات، هریس و فیتزباتریک، ۲۰۰۴). عشق رمانتیک یعنی داشتن علاقه و احساس نزدیکی به فرد مورد علاقه (آرون و آرون، ۱۹۹۱). افزایش علاقه در طول رابطه پیشگویی کننده ادامه آن رابطه است (اسپرچر، ۱۹۹۹). آوریک، کمپ، اینگلز (۲۰۰۷) در پژوهشی که انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین مؤلفه‌های عشق (صمیمت، شوریدگی و تعهد) با تداوم رابطه عاشقانه رابطه مثبت وجود دارد. بایلی، هندریک، هندریک (۱۹۸۷) در تحقیقی که انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین عشق، نگرش جنسی و عزت نفس در زنان و مردان همبستگی مثبتی وجود دارد. نتایج پژوهش آرون و وست بای (۱۹۹۶) نشان داد که می‌تواند بین عشق و جهت‌گیری جنسی هم همبستگی وجود داشته باشد و هم نباشد. میرز و برسچیلو (۱۹۹۷) در پژوهششان نشان دادند که عشق و جهت‌گیری جنسی می‌تواند مستقل از یکدیگر باشد. محققان نمی‌توانند پاسخ دقیقی به این سؤال دهند، زیرا اطلاعات کافی در مورد ارتباط دقیق بین تمایلات جنسی و عشق و چگونگی تأثیر آن بر جهت‌گیری جنسی موجود نیست. تحقیقات نشان داده است که رفتارهای متمایز و احساسات شدید که با پیوندهای عاطفی همراه است نه تنها متأثر از فرهنگ و جامعه است همچنین تحت تأثیر واسطه‌های عصبی-شیمیایی قرار دارد. بنابراین برای مدل زیست رفتاری عشق و تمایلات جنسی ۳ ادعا را می‌توان مطرح نمود. اولین ادعا: فرآیند تمایلات جنسی و پیوندهای عاطفی مستقل از یکدیگر است. بنابراین فردی می‌تواند عاشق شود بدون اینکه رابطه جنسی برقرار کند. دوم: جهت‌گیری فرآیند پیوند عاطفی به‌طور غریزی به سمت جنس مخالف یا موافق گرایشی ندارد. بنابراین فرد بدون توجه به جهت‌گیری جنسی می‌تواند عاشق جنس مخالف و یا موافق شوند. آخر اینکه در مدل زیست رفتاری، ارتباط میان عشق و تمایلات جنسی دوطرفه است. در نتیجه افراد می‌توانند تمایلات جدید جنسی، حتی امیالی که در نتیجه عشق است و با جهت‌گیری جنسی‌شان مغایرت

دارد را داشته باشند (دیاموند، ۲۰۰۳). این ادعا با تحقیقاتی که روی تمایلات جنسی و عشق در انسان‌ها انجام شده حمایت می‌شود و مؤلفه‌های روانشناختی-اجتماعی، تاریخی و بین فرهنگی را در بر می‌گیرد. شواهدی که به مکانیزم‌های زیستی رفتاری بر می‌گردد تحت مطالعات جفت‌گیری پستانداران و پیوندهای اجتماعی است (پنکسپ، ۱۹۹۸). ماهیت عشق و تمایلات جنسی فقط بر اساس عوامل زیستی نیست بلکه عوامل فرهنگی نقش مهم‌تری در شکل‌دهی آن دارند. تجربیات برانگیختگی جنسی و عشق رمانتیک همیشه مرتبط به جامعه، فرهنگ و ماهیت روابط بین فردی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت و یا تحریف کرد (تولمن و دیاموند، ۲۰۰۱). همچنین نمی‌توان ماهیت زیستی آن را نادیده گرفت و یا تحریف کرد (اندرسن، سیرانوسکی، آرستد، ۲۰۰۰). تمایلات جنسی و احساسات عاطفی نه اساساً محدود به فرهنگ است و نه اساساً زیستی است، بلکه عوامل اجتماعی و زیستی با هم در تعامل هستند و بر هم اثر می‌گذارند. این مدل بر مکانیزم‌های زیستی رفتاری تمرکز می‌کند و نباید تصور شود که تأثیرات فرهنگی را نادیده می‌گیرد (دیاموند، ۲۰۰۳).

بر اساس یافته‌ها میان ذهن آگاهی و جهت‌گیری جنسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که یعنی ذهن آگاهی قادر به پیش‌بینی جهت‌گیری جنسی است. عامل توصیف بیشترین ارتباط با جهت‌گیری جنسی دارد و نتایج پژوهش دزیل، گادبوت و هربرت (۲۰۱۸)، نیوکمب و ویور (۲۰۱۶)، نوذری و پزشکی آلمانی (۱۳۹۸) همسو با این نتایج است. در سرتاسر متون فلاسفه بودایی، مانند: نات هان (۱۹۹۱) و کابات زین (۱۹۹۴) ذهن آگاهی را این‌گونه توصیف کرده‌اند: یک رویداد ارتباطی آشکار که هر لحظه آن توأم با بیداری و هوشیاری است. از یک دیدگاه روان‌شناختی غربی، ذهن آگاهی به معنای دستیابی ارتباط با فرضیات، نگرش‌ها، دیدگاه‌های دیگران و نوع ارتباط با آنها است. دزیل، گادبوت و هربرت (۲۰۱۸) در پژوهششان نشان دادند که ذهن آگاهی در اضطراب و میل جنسی نقش میانجیگری دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که ذهن آگاهی تداخلات شناختی در حین رابطه جنسی را کاهش می‌دهد (نیوکمب و ویور، ۲۰۱۶) و رفتارهای افراطی را کمتر می‌کند و نگرانی‌ها را در حین رابطه سرکوب می‌کند (پیینگ و همکاران، ۲۰۱۸). در تبیین یافته‌ها می‌توان گفت کسی که ذهن آگاهی بالایی دارد نسبت به هر فکر هیجان و احساس آگاه است و می‌تواند افکار و هیجان‌اتش را بدون آشفتگی هیجانی تجربه کند. داشتن ذهن آگاهی بالا در حین رابطه جنسی این امکان را می‌دهد که بتوانیم هیجان‌ات خود را تنظیم کنیم و رفتارهای هدفمند بیشتری داشته باشیم.

بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده ذهن آگاهی با صفات شخصیت و جهت‌گیری جنسی میانجیگری می‌کند و رابطه معنادار و مثبتی دارد. تحقیقات انجام شده با نتیجه‌های (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. علی‌نسب، شاهقیلیان و فراهانی (۱۳۹۶) در پژوهششان نشان دادند که برون‌گرایی با بهزیستی ذهنی و ذهن

آگاهی رابطه مثبت و نوروز گرایی با بهزیستی ذهنی و ذهن آگاهی رابطه منفی دارد. تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد ذهن آگاهی نقش میانجی در رابطه بین برون گرایی و عاطفه مثبت دارد. همچنین ذهن آگاهی در رابطه بین نوروز گرایی و عاطفه منفی و نوروز گرایی رضایت از زندگی به عنوان واسطه عمل کرده است. سازه ذهن آگاهی می تواند تبیین کننده رابطه تفاوت های فردی در حوزه شخصیت با سلامت روانی باشد. استیکسما (۲۰۱۵) در پژوهش از نشان داد که ذهن آگاهی نقش واسطه ای بر نشانه های بالینی شخصیت به ویژه برون گرایی و وظیفه شناسی دارد. هنلی (۲۰۱۶) در پژوهش اش نشان داد که کل نمرات ذهن آگاهی به طور معنی داری با ویژگی های شخصیت همبستگی دارد. بین ذهن آگاهی با روان رنجوری همبستگی منفی و بین وظیفه شناسی با ذهن آگاهی همبستگی مثبت مشاهده می شود. تحلیل همبستگی به وضوح بیشتری شواهدی را در رابطه بین ذهن آگاهی و پنج عامل شخصیت ارائه کرد و ارتباط بین ذهن آگاهی و فاکتورهای شخصیت را به سه دسته تقسیم کرد. (۱) خودتنظیمی با روان رنجوری ارتباط منفی دارد و با وظیفه شناسی ارتباط مثبت دارد. (۲) بین خودآگاهی و گشودگی به تجربه ارتباط مثبتی وجود دارد. (۳) کلاستر وظیفه شناسی نشان می دهد بین وظیفه شناسی و کلاستر خودتنظیمی و خودآگاهی ارتباط پیچیده ای وجود دارد.

و در نهایت نتیجه این تحقیق نشان داد که ذهن آگاهی با نگرش به عشق و جهت گیری جنسی میانجیگری می کند و رابطه مثبت و معناداری دارد که یافته های پژوهش های نتایج پژوهش گریب (۲۰۱۷)، کاپن، کارمنس، بورک، بیوک کان تیک (۲۰۱۸) با این نتیجه پژوهش همسو است. نتایج پژوهش گریب (۲۰۱۷) نشان داد که رضایت جنسی با ۳ عامل از ۵ عامل ذهن آگاهی ارتباط دارد. نتایج نشان داد که زمانی که افراد توانایی این را داشته باشند از لحاظ احساس، شناخت و هیجان همدیگر را ارزیابی نکنند بیشتر از روابط جنسی راضی هستند. کاپن و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهششان نشان دادند ذهن آگاهی همبستگی مستقیم و مثبتی با رضایت در روابط عاشقانه دارد. یک دلیلی که ذهن آگاهی در روابط جنسی باعث بهبود روابط می شود آگاهی از زمان حال است که به فرد امکان می دهد که بتواند هیجانانش را تنظیم کند و رفتار هدفمندش بیشتر شود (کارمنز، اسچلکنز و کاپن، ۲۰۱۷).

هر پژوهشی اگرچه در ماهیت به دنبال ارتباط بین عوامل و میزان تأثیر آن است. به هر حال در بطن خود یک مجموعه محدودیت هایی را خواهد داشت. این محدودیت ها ممکن است بر سر راه تحقیق ظاهر شده و امر تحقیق را دچار مشکلاتی نموده و تعمیم نتایج را با دشواری مواجه کنند. پژوهش حاضر نیز از چنین امری مستثنا نبوده و دارای محدودیت زیر است نمونه مورد بررسی تنها در شهر کرج بوده و می توان نمونه هایی از جامعه های دیگر انتخاب شوند. می توان از مصاحبه هم در حین پژوهش استفاده کرد. به مشاوران و درمانگران که حوزه خانواده و خانواده درمانی کار می کنند توصیه می شود که زوجین

را با انواع سبک‌های عشق‌ورزی و تیپ‌های شخصیتی آشنا کنند تا بتوانند با استفاده از آگاهی‌هایی که حاصل کرده‌اند در بهبود روابط خود با همسرشان بکوشند. با آموزش ذهن آگاهی می‌توان کیفیت رابطه جنسی را بالا برد. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی متغیرهایی مانند: سبک‌های دل‌بستگی، هوش هیجانی و تأثیر طول زمان بر سبک عشق مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- احمدوند، زهرا؛ حیدری نسب، لیلا و شعیری، محمدرضا (۱۳۹۲). واری اعتبار و روایی پرسشنامه پنج وجهی ذهن آگاهی در نمونه‌های غیر بالینی ایرانی. *مجله علوم رفتاری*، ۷(۳): ۲۳۷-۲۲۰.
- آتش روز، بهروز (۱۳۸۶). پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق دل‌بستگی و صفات پنج‌گانه شخصیتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- بیات، مریم (۱۳۸۷). تأثیر ایمگوتراپی بر سبک‌های عشق‌ورزی زوجین شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان
- برازنده، هدی؛ صاحبی، علی؛ امین یزدی، امیر و مه‌رام، بهروز. (۱۳۸۵). رابطه معیارهای ارتباطی با سازگاری زناشویی. *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، ۲(۸): ۳۳۰-۳۱۹.
- پاتو، مژگان (۱۳۸۱). رابطه خود‌پنداره و نگرش‌های مربوط به عشق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه شهید بهشتی
- تقی یار، زهرا؛ پهلوان زاده، فرشاد و رفاهی، ژاله (۱۳۹۷). مدل معادلات ساختاری تعهد زناشویی و سبک‌های عشق‌ورزی با صمیمیت زناشویی با توجه به نقش میانجی رضایت جنسی. *زن و مطالعه و خانواده*، ۱۱(۴۲): ۱۰۴-۹۱.
- جبرائیلی، هاشم؛ حسنی، جعفر و حبیبی عسگرآباد، مجتبی (۱۳۹۶). نقش تعدیل‌کننده وظیفه‌شناسی در رابطه با اثر وضعیت اجتماعی-اقتصادی، نوروژ گرای، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه و پذیرا بودن بر مصرف مواد، الکل و دخانیات. *مجله سلامت اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۲، ۱۰۹-۹۹.
- خادمی، علی؛ ولی پور، مریم؛ مراد زاده خراسانی، لاله و نیشابوری، سیمین (۱۳۹۳). رابطه ویژگی‌های شخصیت با رضایت زناشویی مؤلفه‌های آن در زوجها. *فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی کاربردی*، ۳۲(۸).
- رحیمی پردنجانی، طیبه؛ مشفق، نجمه و رضایی، آرزو (۱۳۹۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با رضایت جنسی زنان. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۲۳(۶): ۸۳۵-۸۲۶.

سادوک، بنجامین جیمز؛ سادوک، ویرجینیا آلکوت و روئیز، پدرو (۲۰۱۵). خلاصه روان پز شکی جلد دوم کاپلان و سادوک (ترجمه فرزین رضاعی، ۱۳۹۴). تهران: ارجمند.

عباسی، مجتبی (۱۳۹۷). تأثیر آموزش‌های مبتنی بر ذهن آگاهی بر تاب آوری، سلامت عمومی و کیفیت زندگی شهروندان تهرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی مثبت نگر-اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی.

علی نسب، سمیه؛ شاهقلیان، مهناز و فراهانی، محمد تقی (۱۳۹۶). نقش واسطه ذهن آگاهی در رابطه میان برونگرایی/نوروزگرایی و بهزیستی ذهنی. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش در سلامت روانشناختی، ۱۱(۱).

فتوحی، سکینه و ابوالقاسمی، عباس (۱۳۹۵). رابطه ابعاد شخصیت و سازگاری زناشویی زوجین: بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های عشق. علمی پژوهشی (وزارت علوم)، ۲۰(۳۵): ۴۱-۶۰.

گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۸۰). رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). چاپ اول. تبریز: نشر دانیال و جامعه پژوه.

نوذری، پگاه و پز شکی آلمانی، آرام (۱۳۸۴). بررسی نقش میانجیگری رضایت جنسی در رابطه بین ذهن آگاهی و رضایت زناشویی زوجین. اولین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران.

<https://civilica.com/doc/913083>

Andersen, B.L., Cyranowski, J.M., & Aarestad, S. (2000). Beyond artificial, sex-linked distinctions to conceptualize female sexuality: Comment on Baumeister. *Psychological Bulletin*, 126, 380-384.

Anderson, R.T. (2013). *Marrige what It is, why It Matters, and the Consequences of Redefining It*, The Heritage Foundation. No.2775.

Aron, A.P., & Aron, E.N. (1991). *Love and Sexuality*. In: Mckinney & S. Sprecher (Eds), *Sexuality in close relationship* (25-88). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

Aron, A., & Westbay, L. (1996). Dimension of the prototype of love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, 535-551.

Baer, R. A., Smith, G. T., Hopkins, J., Krietemeyer, J., & Toney, L. (2006). Using Self-Report Assessment Methods to Explore Facets of Mindfulness. *Assessment*, 13 (1), 27-45.

Bagby, R.M., sellbom, M., Costa Jr., P.T., & Widiger, T.A. (2008). Predicting Diagnostic and Statistical Manual Disorders-IV Personality disorders with the five-factor model of personality and the personality psychopathology five, *Personality and Mental Health*, 2, 55-69.

- Baily, W.C., Hendrick, C., & Hendrick, S. (1987). Relation of sex and gender role to love, sexual attitudes, and self-esteem. *Sex Roles*, 16, 637-648.
- Belsky, J. (2010). Childhood Experience and the development of reproductive strategies, *Psicothema*, 22-28-34.
- Bodhi, B. (2000). *A Comprehensive Manual of Abhihamma*, Seattle: BPs, Pariyatti.
- Burunat, E. (2019). Love is physiological motivation (like hunger, thirst, sleep or sex), *Medical Hypotheses*. 129, 109-225. <https://doi.org/10.1016/j.mehy.2019.5.011>
- Canel, A.N. (2012). *Marriage and family life. Evlilik Ve alie hayatı*, Istanbul, Turkey: Alie Ve Sosyal Politikalar Bankanligul.
- Chisholm, J.s. (1993). Death, hope and sex. Life-history theory and the development of reproductive strategies. *Current Anthropology*, 34, 1-24.
- Clark, M.S., Mills, S.J. (1979). Interpersonal attraction in exchange and communal relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37, 12-24.
- Costa, P.T., Jr & Mc Crae, R.R. (1992). *Revised NEO Personality Inventory (NEO-FFI) Manual*, Odessa, Fl: Psychological Assessment Resources.
- Davis, D.M & Hayes, J, A. (2011). What are the benefits of mindfulness? A practical review of psychotherapy-related research. *American Psychological Association*, 48(2), 198-208.
- Dawson, S & Chivers, M.L. (2014). Gender differences and similarities in sexual desire. *Current Sexual Health Reports*, 6(4), 5-165.
DOI: 10.1007/s11930-014-0027-5
- Deziel, J; Godbout, N & Hebert, M. (2018). *Journal of Sex & Marital Therapy*. 0(0), 1-8.
- Diamond, L.M. (2004). Emerging perspective on distinctions between romantic love and sexual desire. *Current Directions in Psychological Science*, 13(3).
- Diamond, L.M. (2003). What does sexual orientation orient? A Biobehavioral model distinguishing romantic love and sexual desire, *Psychological Review*, 110(1), 173-192. Doi: 10.1037//0033-295x.110.1.173

Egan, V. (2020). Sexual behavior as a natural laboratory for understanding individual differences, personality and Individual differences, 110036.

Ersanll, K. & Kalkan, M. (2008). Important of marriage relations-Theory and Practice. Evlilik illskilerini gelistrime- kuram Ve uygulama, Ankara, Turkey: Nobel Yayinc111k.

Fagan, P., Wise, T., Schmidt, C., Ponticas, Y., Marshall, R., & Costa, P. (1991). A comparison of five-factor personality dimensions in males with paraphilia. *Journal of Personality Assessment*, 57, 434-448.

Fisher.H. (2007). Poped milosci-neuronaly mechanism doboru part near. In R.J. Sternberg, & K. weise(Eds). *Nowa psychologia milosci [The new psychology of love]*(pp. 133-175). Taszow: Biblioteka Moderatora.

Gangestad, S.W.,& Simpson, J.A. (2000). The evolution of human mating: Trade-offs and strategy pluralism. *Behavioral and Brain Sciences*, 23, 573-587.

Germer, C.K. Siegal, R.D.& Fulton, P.R. (Eds). (2005). *Mindfulness and psychotherapy*. Newyork:Guildford Press.

Greer, N.E. (2017). Understanding the links of mindfulness, relationship, satisfaction and sexual satisfaction. University of Kentuchy/Kinesiology and Health Promotion Digital Object Identifier:

<https://doi.org/10.13023/ETD.2017.144>

Hanley, A.W. (2016). The mindful personality: Associations between dispositional mindfulness and the Five Factor Model of Personality. *Personality and Individual Differences*, 154-158. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2015.11.54>

Head, H. (1999). *Sexuality in old age Nursing Clinical Monographs*, 40. London: Nursing times Books.

Hendrick, C., Hendrick, S., Dicke, A. (1998). The Love Attitude Scale: short from. *Journal of social and personal relationship*, 15(2), 147-159. <https://doi.org/10.1177/0265407598152001>

Hughes, T., & Snell, W. E., Jr. (1990). Communal and exchange approaches to sexual relations, *Annals of Sex Research*, 3(2):149-163. Doi: 10.1007/BF 00850867

<https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110036>.

Jaderek, I., & Lew-Starowicz. (2019). A systematic review on mindfulness meditation based interventions for sexual dysfunctions. *J Sex Med*, 16(10):1581-1596. <https://doi.org/10.1016/j.jsxm.2019.07.019>.

Jokela, M. (2014). Personality and the realization of migration desire. In P.J.Rentfrow(Ed), *Geographic psychology: Exploring the interaction of environment and behavior*(P. 71-78). American Psychological Association. <https://doi.org/10.1073.14272-005>

Kabat-Zinn, J. (1994). *Where Ever You Go, There You Are*. New York, NY. Usa:Hyperion Books.

Kappen, G., Karremans, J.C., Burk, J.W., Buyuk Can-Tetik, A. (2018). On the association between mindfulness and romantic relationship satisfaction: The role of partner acceptance. *Mindfulness*, 1543-1556. <https://doi.org/10.1007/s12671-018-0902-7>

Karremans, J.C., Schellekens, M.P.J., & Kappen, G. (2017). Bridging the Sciences of mindfulness an romantic relationships: A theoretical model and research agenda. *Personality and Social Psychology Review*, 21(1), 29-49. [Htpps://doi.org/10.1177/1098868315615450](https://doi.org/10.1177/1098868315615450). [PubMed: 26563236]

Kennedy, S., Dickens, S., Eisfeld, B., & Bagby, R. (1999). Sexual dysfunction before antidepressant therapy in major depression. *Journal of affective Disorder*, 56, 201-208.

Kordoutis, P. (2015). Love and Intimacy, *Psychology of International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)*, pages 375-381. <http://doi.org/10.1016/B978-0-08-097086-8024.72-5>

Lacy, R.S., Reifman, A., Scott, J.P., Harris, S., & Fitzpatrick, M.J. (2004). Sexual moral attitudes, love styles, and mate selection. *Journal of sex Research*, 41:121-128.

Lee, J. A. (1973). *Colours of love: An exploration of the ways of loving* Toronto: New Press.

Malouff, J., Thorsteinsson, E., & Schutte, N. (2005). The relationship between the five-factor model of personality and symptoms of clinical disorders: A meta-analysis. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 27, 101-114.

Manuela Peixoto, M & Nobre, p. (2015). Personality traits, Sexual Problems, and Sexual orientation: An Emprical Study. *Journal of Sex & MARTAL THERAPY*, 00(0), 1-15.

DOI: 10.1080/0092623x.2014.985352

Mc Crae,R., & Costa, P. (1987). Validation of the of personality a cross instruments and observers. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 81-90

Myers, S.A., & Berscheid, E. (1997). The language of love: The difference a preposition makes. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 23, 347-362.

Nasehi, A., Raeis, F., Jafari, M., & Rahmani, M. (2004). The degree of marital compatibility on dormitory resident university students. *Iran J Psychiatry Clin Psych*, 10(1-2): 6-111.

Neto, F.(2001). Love styles of three generations of women. *Marriage & Family Review*, 23,268-282.

Neto, F. (2015). Revising correlates of sociosexuality for men and women: The role of love relationship and psychological maladjustment. *Personality and Individual Differences*.83, 106-110.

<https://doi.org/10.1016/J.Paid.2015.03.033>.

Newcombe, BC, & Weaver, AD. (2016). Mindfulness, cognitive distraction, and sexual well-being in women. *The Canadian Journal of Human Sexuality*, 25(2), 99-108. <https://doi.org/10.3138/cjhs.252-A3>.

Nhat Hanh, T. (1991). *Peace Is Every Step*. London:Rider.

Nobre, P. (2013). Male Sexual dysfunctions: In J.G.Hofmann(Ed.), *The Wiley handbook of cognitive behavioral therapy:Part 2*. CITY, STATE: Wiley-Black Well.

Nobre, P., & Pinto-Gouveia, J. (2008). Differences in automatic thoughts presented during sexual activity between sexually functional and dysfunctional men and women. *Cognitive and Therapy Research*, 32, 37-49.

Overbeak, B., Kemp, B., & Engles, G. (2007).Two personalities, one relationship: both partners personality traits. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79,251-259.

Panksepp, J. (1998). *Affective neuroscience: The foundations of human and animal emotions*. New York: Cambridge university Press.

Pepping, Ch. A. Cronin, T, J. Lyons, A., & Caldwell, J.G. (2018). The effect of mindfulness on sexual outcomes: The Role of Emotion Regulation. *Archives of Sexual Behavior*, 47,1601-1612.

Quinta-Gomes, A., Nobre.P. (2011). Personality traits and psychopathology on male sexual dysfunction: An empirical study. *Journal of Sexual Medicine*, 8, 461-469.

Rosenheim, E., & Neumann, M. (1981). Personality characteristic of sexually dysfunctioning males and their wives. *Journal of Sex Research*, 17,124-138.

Rosse, R.B. (1999). *The love trauma syndrome: Free yourself from the pain of a broken*. Persus publishing, a Member of the Perseus Books Group.

Sadeghi, M. Ahmadi, S.A., Bahrami, F., Atemadi, O., & Poorseyed, S.R. (2013). Effect of Training In transactional analysis on The love styles of couples. *Journal of cognitive behavioral science research*, 3(5), 71-84.

Salvati, M. Chiorric, C., & Baiocco, R. (2019). The relationship of dispositional mindfulness with sexual prejudice and internalized sexual stigma among Heterosexual and Gay/Bisexual Men. *Mindfulness*, 10, 2375-2384.

Sprecher, S. (1999). "I love you more today than yesterday": Romantic partners perceptions of changes in love and related affect over time. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76,46-53.

Stiksmā, M. (2015). *An Examination of relationship between mindfulness, personality, anxiety, and depression in Americans and Japanese college students*. (A Thesis submitted to the faculty of The Charles E. Schmidt College of Science In partial Fulfilment of the requirements for the degree of Master of Arts. Florida Atlantic University Boca Raton, FL, May 2015.

Tahmasebi S, Moghadasi J, Alavi A, Moradi MT. (2005). Comparative investigation of marital satisfaction in house wives and employed woman in Shaharekord. *Sci J Hamdan Uni V Med Sci*, 14(2):20-30.

Tan, E.S.N., & Yarhouse, M.A. (2010). Facilitating congruence between religious beliefs and sexual identity with mindfulness, Psychotherapy, Theory, Research, Practice, Training, 47(4), 500-511. <http://doi.org/10.1037/a0022081>

Tolman, D.L., & Diamond, L. M. (2001). De segregating sexuality research: Combining cultural and biological perspectives on gender and desire: *Annual Review of Sex Research*, 12, 33-74.

Vigil, J.M., Geary, D.C., & Byrd-Craven, J. (2005). A life history assessment of early childhood sexual abuse in woman. *Developmental psychology*, 41, 553-561.

The mediating role of the mindfulness in the relationship between Sexuality based on Character types and Attitude to love:

Study of Structural Equation Model

Maryam Abasian^۱

Afshin Tayeb^{۲*}

Abstract

This research aimed to investigate the among character types, attitude to love, and sexual relationship by mediation of mindfulness. The research method was correlational one. Statistical population was composed of all married men and women in Karaj among which 200 people were selected 200 selected by the available sampling method. The research tools included: Sex relation scale(SRS), questionnaire for measuring five personality traits(NEO), the scale of Love attitude(LAS-SF), and the questionnaire of 5 factors of mindfulness FFMQ. The fitness of the proposed model was estimated through structural equation modeling(SEM) and using the AMOS software package. The mediating relationship in the proposed pattern was tested using the bootstrap procedure. Result: The result of the structural equation modeling indicating relative fitness of model, and showed that character types, attitude to love with the mediation of mindfulness had an indirect effect on the sexual relationship. Conclusion: The results of the present study showed that important character types, Attitude to love, with the mediation of mindfulness can predict sexual relationship. Therapists are advised to acquaint couples with different types of lovemaking styles and personality types, and also by training mindfulness, the quality of the sexual relationship can be improved.

Key words: character types, attitude to love, sexual relationship, mindfulness, structural equation

^۱ .Master student of Clinical Psychology, Department of psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

^{۲*} Dr. Psychology, Assistant professor of Psychology, Kharazmy University, Gheshm, Iran. afshin.tayyebi@iranian.ac.ir